

ایران در آینه حجبان

(۲)

کیکاوس جهانداری

روشها

ناگزیر می‌بایست تا آخر قرن نوزدهم و نخستین سالهای قرن بعد حوصله کرد و انتظار کشید تا باستان‌شناسی در ایران بتواند به منابع مؤثر و مطلوب و همچنین به روشهای دقیق در کار مجهز شود. اما تاریخ نخستین تلاشها از آنچه ذکر شد بسیار قدیمتر است. در بیستون که تقریباً سی کیلومتر از کرمانشاه فاصله دارد از سال ۱۸۳۵ میلادی به بعد کتیبه بزرگ سه زبانی که بالای حجاری داریوش تعبیه شده است مورد تحقیق قرار گرفت. در آن هنگام یک مأمور انگلیسی بنام «ه. ث. راولینسون» که پیش از آن در هندوستان افسر ارتش بود با سمت مشاور نظامی به کرمانشاه فرستاده شد. او در عین حال هم به انجام دادن وظایف سیاسی خود می‌پرداخت و هم به مطالعات شرقی عطف توجه می‌کرد. اینگونه تحقیقات رفته رفته بیشتر مورد توجه او قرار می‌گرفت و اوقات او را بخود مشغول می‌داشت. راولینسون در هندوستان فارسی، عربی و هندوستانی آموخته بود، دیدار بیستون با حجاری داریوش که در آن یاغیان را درغل و زنجیر نمایانده‌اند سخت در او مؤثر افتاد و به همین دلیل بلافاصله به کشف کتیبه سه زبانی فارسی باستان، اکدی و عیلامی همت گماشت.

کاری که راولینسون در بیستون کرد (۳۹ - ۱۸۳۶) باید به عنوان اولین تحقیق جدی به معنای وسیع خود در ایران مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه در سال ۱۸۳۹ جنگ بین بریتانیای کبیر و افغانستان درگیر شد. لرد اوکلند با توسل به عملیات نظامی که پس از دو سال با فاجعه خونینی خاتمه یافت افغانستان را اشغال کرد. راولینسون ناگزیر از مراجعت به هندوستان شد اما بعدها ترجیح داد که از خدمات سیاسی چشم‌پوشد تا بتواند اوقات خود را یکسره وقف شرق‌شناسی کند. بعد بریتیش میوزیوم او را در مقام بازرس کل تحقیقات باستان‌شناسی انگلستان به بین‌النهرین فرستاد. در فاصله بین سالهای ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۳ باز کار حفاری در ایران رونق بسیار داشت. مجدداً یک فرد انگلیسی دیگر بنام «سرویلیام لفتوس»^۱ در این کار ابراز شایستگی کرد. او که قبلاً عضو کمیسیون تعیین مرز بین ترکیه و ایران بود آن نواحی را خوب می‌شناخت و بر اثر مسؤولیتی که به عهده داشت پیش از آن از جنوب بین‌النهرین بازدید کرده بود. او که سخت تحت تأثیر این نواحی باستانی قرار گرفته بود برای سه هفته به ورقه رفت. در سال ۱۸۵۱ لفتوس دست به حفاری در منطقه شوش زد و به کشف تعداد زیادی از اشیاء و مجسمه‌های کوچک توفیق یافت. اما تحقیق علمی در ایران در حقیقت از آن زمان آغاز شده که فرانسویان به سرزمین شوش عنایت کردند. در سال ۱۸۸۴ «مارسل دیولا فوا» دوبار برای تحقیق به این ناحیه سفر کرد.^۲ او

1 - Sir William Loftus.

2 - Marcel Dieulafoy. *Les Antiquités de Suse découvertées par la Mission Dieulafoy* (1884 - 1886), Paris 1913. Jeanne Dieulafoy. *A Suse. Journal des Fouilles*, Paris, 1888.

یکه و تنها ، فقط با کمک همسرش ، بر تپه‌ای که بعدها به تل آپادانا معروف شد کار کرد و « کتیبه
نقش تیرانداز » و سرستونی را که دارای نقش گاوهای زانورده است کشف کرد و با خود برد . این
هر دو از شواهد برجسته هنر دوره هخامنشی است که فعلاً در موزه « لوور » نگهداری می‌شود .
این مختصر کفایت تا اهمیت دشت شوش را که ظاهراً نام فعلی آن یادآور نام قبلی پایتخت
ساسانیان است ، بر ما روشن کند . یک مهندس معدن فرانسوی بنام « ژاک دومرگان » (۱۹۲۴ -
۱۸۵۷) که در این زمان مدیر کل باستان‌شناسی مصر بود پس از مأموریتی به ایران (۱۸۸۹) کوشید
تا نظر مساعد دولت فرانسه را برای حفاری و مطالعه در این ناحیه که دارای آینده درخشانی بود
جلب کند . سفیر فرانسه در طهران بنام « رنه دوپالوا » سهولت از ناصرالدین‌شاه فرمانی تحصیل
کرد که به موجب آن فرانسه برای مطالعات علمی باستان‌شناسی و حفاری در سراسر ایران دارای
حق انحصاری می‌باشد . ژاک دومرگان در سال ۱۸۹۷ در مقام ریاست نمایندگی علمی فرانسه
به ایران آمد حالا دیگر او می‌توانست در این سمت به دلخواه خود در هر نقطه حفاری کند . این
هیأت علمی فرانسوی که سرمایه مالی کافی در اختیار داشت و هر سال نیز مستمری مکفی از دولت
متبوع خود می‌گرفت بدون قوت و وقت دست به کار شد . « برای نخستین بار بود که یک هیأت
باستان‌شناسی فرانسوی از بودجه دولتی برخوردار می‌شد و آنهم تا سال ۱۹۳۹ بطور مرتب و سالانه
آنها دریافت می‌کرد . » اما هیأت‌های دیگر هیچگاه از کمک‌های قانونی ، و به خصوص از کمک‌های
مستمر برخوردار نشدند^۳ . بعدها حفاری در شوش در سال ۱۹۴۶ باز از سر گرفته شد که تا به امروز
نیز ادامه دارد .

آری مرگان در رأس همکاران متعددش به تحقیقات علمی آغاز کرد ، از آنجمله او
از همکاری دانشمندان بسیاری نیز برخوردار بود که از آن شماره‌دارند : « و . شیل »^۴ که آسورشناس
است ، « و . ژکیه »^۵ ، « گوتیه »^۶ و « لامپر »^۷ که همه باستان‌شناسند . از اینها گذشته مرگان یک
مهندس معدن جوان را بنام « رولان دومکنم »^۸ استخدام کرد .

از این پس اشیاء عتیقه به حد وفور کشف شد (اما متأسفانه باید نسبت به صحت روشهایی
که در حفاری به کار برده می‌شد قدری ابراز تردید کرد) . این را نیز باید مدیون مرگان بود که
توانست بر مبنای قرارداد سال ۱۹۰۰ نفیس‌ترین مجموعه سفال شوش را برای موزه لوور تهیه کند .
هیأت فرانسوی به مطالعه و حفاری در شوش اکتفا نکرد ، از ۱۹۰۲ گوتیه و لامپر شروع
به حفاری در تپه موسیان کردند که در شمال شوش قرار دارد . در سال ۱۹۰۹ در ری واقع
در نزدیکی طهران و در سال ۱۹۱۳ نزدیک بندر بوشهر توسط « پزار »^۹ نیز حفاریهای دیگری انجام
پذیرفت . این اقدامات متعدد همه منجر به انتشار اثر بزرگ نفیسی شد که به سی مجلد بالغ
می‌گردد . عنوان این اثر تا بحال چند بار عوض شده است^{۱۰} . مقارن آغاز جنگ بین‌المللی اول

3 - A. Parrot, *Archéologie Mésopotamienne*, Paris 1946. Tome I, p. 171.

4 - V. Scheil. 5 - Jéquier. 6 - Gautier. 7 - Lampre.

8 - Roland de Mecquenem. 9 - Pézard.

۱۰ - در ابتدا سیزده جلد از این اثر تحت عنوان ذیل نشر شد :

Mémoires de la Délégation en Perse.

عنوان جلد چهارم چنین بود :

Mémoires de la mission archéologique de Susiane.

Mission archéologique de Perse.

از جلد شانزدهم تا بیست و هشتم این اثر با این عنوان چاپ شد :

Mémoires de la mission archéologique de Perse, mission de Susiane.

سرانجام این مجلدات (بیست و نهم تا سی و هفتم) با چنین نامی طبع شد :

Mémoires de la mission archéologique en Iran, mission de Susiane.

برای تحلیلی از مطالب مندرج در همه این مجلدات می‌توانید به کتاب زیر رجوع کنید :

A. Parrot, *Archéologique Mésopotamienne*, tome I, p. 258 f. f.

حفاری دقیق مطابق با اسلوب صحیح علمی در ایران رواج بیشتری یافت. بیان همه این اقدامات از حوصله این مقال بیرونست و ناگزیر در اینجا به ذکر مهمترین ارقام و حفاریها اقدام می‌کنیم. در اینجا این مطلب را نیز باید یادآور شد که به سال ۱۹۲۸ «آندره‌گدار» که یک معمار فرانسوی بود از طرف دولت ایران مأمور تأسیس اداره باستان‌شناسی شد، ضمناً او مأموریت یافت که از بناهای تاریخی فهرست بردارد و آن بناها را در صورت لزوم مرمت کند. آندره‌گدار در فاصله سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۶۰ به انجام دادن کارهای برجسته‌ای توفیق یافت که عبارت است از تأسیس اداره باستان‌شناسی، بنای موزه ایران باستان در طهران، بنای دانشگاه وغیره. او بسیاری از شاهکارهای معماری را بخصوص در اصفهان مرمت کرد. گدار در سال ۱۹۳۱ اثری را منتشر ساخت که هنوز هم مبنای مطالعات مربوط به لرستان به شمار می‌رود^{۱۱}. این کتاب درست زمانی منتشر شد که بازار مالامال از اشیاء مفرغی لرستان شده بود اما از آنجا که این اشیاء را با حفاری علمی بدست نیاورده بودند و غارتگران و حفاران غیرمجاز آنها را عرضه بازار می‌کردند هیچ اصل و منشأ آنها روشن نبود و بکار تحقیقات علمی نمی‌خورد. وقتی در نظر بیاوریم که نتیجه تنها حفاری علمی مربوط به این مفرغها، و بعبارت دیگر مفرغهای سرخ دم تازه در سال ۱۹۳۸ علنی و منتشر شد^{۱۲} به ارزش واقعی این کتاب پی‌می‌بریم. اولین حفاری علمی - به معنی واقعی آن کلمه - در ایران از سال ۱۹۳۱ در تپه گیان بدست «رومن گیرشمن» و ژرژ کنتنو^{۱۳} انجام شد. کنتنو پس از چندی مرد، او موزه دار لوور و مؤلف یک کتاب دستی درباره باستان‌شناسی مشرق‌زمین بود^{۱۴}. گیرشمن در سال ۱۹۳۰ بکار خود با هیأت علمی فرانسوی که در تلئو حفاری می‌کرد آغاز کرد. یک سال بعد به حفاری در تپه گیان پرداخت. در سال ۱۹۳۳ کار خود را در تپه سبک شروع کرد^{۱۵}. بر اثر اقداماتی که در گیان وسیلک انجام گرفت ممکن شد که بطور نسبی برای بعضی از لایه‌های ماقبل تاریخ در مغرب ایران تاریخ تعیین کنند. در این هردو حفاری روشهای قبلی یکی کنار گذاشته شد. در روشهای قدیم همواره سعی متوجه کشف اشیاء نفیس بود و به تحقیقات لایه‌شناسی توجهی نمی‌شد. در سال ۱۹۳۶ گیرشمن در اولین هیأت علمی که به افغانستان رفت شرکت جست. در این کشور (از سال ۱۹۲۲) به کشور فرانسه اختیار نام داده شده بود که در هر نقطه بخواهد به صورت دست به حفاری بزند. گیرشمن در سال ۱۹۴۱ به ریاست هیأت علمی فرانسوی در افغانستان منصوب شد.

فرانسویان تنها گروهی نبودند که در ایران حفاری کردند. در ناحیه شمال، در مرز ترکستان یک فرد امریکائی بنام «ولسین» در ترنگ تپه دست به عملیات مقدماتی زد^{۱۶}. کارهای او توجه دیگران را به غنای آن ناحیه جلب کرد و همگان را متوجه ساخت که در آن ناحیه می‌توان دست به حفاری زد. گذشته از آن یک نفر آلمانی به نام «ارنست هرتسفلد» از سال ۱۹۲۸ بر تپه‌های درحوالی تخت جمشید به حفاری پرداخت. بعدها این تپه «تل پاکون» نامیده شد. هرتسفلد در رأس هیأت علمی امریکائی که در آن ناحیه مشغول حفاری بود قرار گرفت. او که در عین حال

11 - André Godard, Bronzes du Luristan, *Ars Asiatica*, Van Oest, Paris 1931.

12 - Erich Schmidt, The Second Holmes Expedition to Luristan, in *Bulletin of the American Institute for Iranian Art and Archaeology V.* (1938).

13 - G. Contenau et R. Ghirshman, *Fouilles du Tépé Giyan près de Néhavand*, 1931 et 1932, Musée du Louvre, Département des Antiquités Orientales, série archéologique, tome III, Paris 1935.

14 - G. Contenau, *Manuel d'Archéologie Orientale depuis les Origines jusqu'à l'époque d'Alexandre*, Paris 1927 - 1947.

15 - R. Ghirshman, *Fouilles de Sialk, près de Kashan*, 1933, 1934, 1937, tome I et II, Paris 1939.

16 - F. Wulsin, Excavations at Tureng-Tépé, Suppl. to the *Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology*, Vol. II No. I bis (mars 1932).

مستشرق، کتیبه شناس و باستان شناس بود در سال ۱۹۴۸ در سوئیس مرد. از حفريات تخت جمشيد تعداد زيادى سفال گرانبهائى نقش دار بدست آمد^{۱۷}. در سال ۱۹۳۱ يك گروه امريكائى در تپه حصار نژديك دامغان كه در حدود سيصد و شصت كيلومترى مشرق طهران وهفتاد و پنج كيلومترى جنوب دريائى خزر قرار دارد كاوش كردند. دو اقدامى كه در سالهاى ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ انجام شد منجر به نتايج درخشاني گرديد. موقعيت دقيق اين ناحيه كه از سال ۱۸۸۰ بر اثر به دست آمدن سفالهاي نقش دار مورد توجه قرار داشت در سال ۱۹۲۵ توسط هرتسفلد تعيين گرديد. شميدت اينجا را حفاري كرد و آشكار گرديد كه اين محل براي تحقيق در سراسر آن منطقه در حكم كليدي است^{۱۸}. ناحيه‌اي ديگر كه به ناحيه فوق شباخت دارد در سال ۱۹۳۳ توسط يك گروه سوئدي مورد تحقيق قرار گرفت. كاوشهاي ابتدائي براي كسب اطالع در اثر به كار بردن يك روش بسيار دقيق علمي اطلاعات لايه شناسي دقيقى به دست داد^{۱۹}. در فاصله سالهاي ۱۹۳۳ و جنگ دوم جهاني بر ميزان حفاريا افزوده شد. در سال ۱۹۳۲ تپه جمشيدى (توسط فرانسويان)، در سال ۱۹۳۴ چشمه‌علي (توسط امريكائيان)، در سال ۱۹۳۴ سرخ دم (توسط امريكائيان)، در سال ۱۹۳۶ چغازنبيل، در فاصله سالهاي ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۹ تخت جمشيد مورد كاوش قرار گرفت. پس از وقفه‌اي كه در اثر جنگ ايجاد شده بود باز كارگاه‌ها كار خود را از سر گرفتند. در سال ۱۹۴۶ در شوش، پس از آن در حسنلو و آنگاه در آذربايجان حفاري شد. در سال ۱۹۴۷ در شمال كردستان گنجينه زيويه به دست آمد. در ۱۹۴۹ باز در بازار گاد به كار پرداختند و در ۱۹۵۰ كاوشهاي مقدماتي در گورستان خوروين كه در هشتاد كيلومترى غرب طهران است آغاز شد. دهقانان اين ناحيه را با حفاريهاي غير مجاز غارت كردند و در نتيجه بازار طهران مالا مال از سفالهاي بدست آمده شد. در سال ۱۹۵۴ گروه حفاران ايراني جاي خود را به يك هيأت بلژيكي داد و از اين پس ديگر دوره ماقبل تاريخ ايران توجه شرق شناسان سراسر جهان را به خود جلب كرد. يك گروه ژاپني در سال ۱۹۵۶ در تل باكون به كار پرداخت و در ۱۹۵۷ امريكائيها در حسنلو دست به كار شدند. در سال ۱۹۶۰ يك گروه فرانسوي در ترنگ تپه مستقر گرديد و اين موضعي بود كه از زمان مطالعات ولسين ديگر مورد حفاري قرار نگرفته بود. در آنجا هنوز هم كار ادامه دارد^{۲۰}. در سال ۱۹۶۱ ايرانيان در رودبار كه شهر كوچكي است واقع در جنوب غربى دريائى خزر در نواحى قديمى مارليك به حفاري پرداختند. انگليسيها نيز براي خود درگوي تپه (۱۹۴۸)، يانق تپه (۱۹۶۰) و بازار گاد (۱۹۶۱) كارگاههائي داشتند و دارند. تمام اين هيأت‌ها با اداره باستان شناسي ايران همكاري دارند. بايد در نظر داشت كه هريك از اين مطالعات كه به حل مشكل معيني منجر ميشود بدون استثناء مسأله و مشكل جديدي را پيش روي محققان مي گذارد. از آن گذشته پس از نظر افكندن به اين سلسله مطالعات و حفاريا نبايد از نظر دور داشت كه باستان شناسي در ايران در آغاز كارخويش است و هنوز آن موقع مناسب فرانسويان است كه بتوان از مطالعات انجام شده نتيجه كلي گرفت. نخستين حفاريايي كه با روش صحيح لايه شناسي توأم بود درسي سال پيش انجام گرفت و فراموش نبايد كرد كه سي سال وقت براي تحقيق و مطالعه در سرزميني بكر و دست نخورده مدت قابل ملاحظه‌اي نيست. تلاشهاي بي سرانجام، عدم دقت در كار و اشتباه تا سايلان دراز اجتناب ناپذير است.

17 - A. Langsdorff and D - E. McCown, Tall-i Bakun A, Season of 1932, University of Chicago, *Oriental Institute Publications LIX* (1942).

۱۸ - نتايج اين مطالعات در اثر زير گرد آمده است :

E. - F. Schmidt, Excavations at Tépé Hissar - Damghan, Philadelphia 1937.

گزارش ديگري قبل از كتاب فوق منتشر شد با عنوان زير :

Tépé Hissar Excavations 1931 in *Museum Journal*, XXIII, 4, 1933.

19 - T. - J. Arne, *Excavations at Shah Tépé*, Iran, Stockholm 1945.

20 - Jean Deshayes, Rapport préliminaire sur les deux premières campagnes de fouilles à Tureng - Tépé, in *Syria*, XL, 1963.